

اخلاق در اداره : 5. تأثیر پیامبر (ص) از ناراحتی اسیر غیر مسلمان

در جنگ بدر اسیران را گرفتند و شب را زیر زنجیر گذراندند، پیغمبر فرمود: دیشب خوابم نبرد از این که ناله عباس را می شنیدم! نکته را دقیق در ذهنتان مجسم کنید تا به عظمت مطلب پی ببرید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دوازده هزار نیروی مجهز آمده و مکه را تسخیر کرده، مکه ای که مردم آن 74 جنگ بر پیغمبر تحمیل کردند، مکه ای که هند جگر خوار با شوهرش ابوسفیان در مقابل پیامبر ایستاده، در چنین موقعیتی است که برای آن حضرت خبر آوردند که: یا رسول الله! ...

اخلاق در اداره

نویسنده: آیت الله حسین مظاهری

اخلاق در اداره : 5. تأثیر پیامبر (ص) از ناراحتی اسیر غیر مسلمان

در جنگ بدر اسیران را گرفتند و شب را زیر زنجیر گذراندند، پیغمبر فرمود: دیشب خوابم نبرد از این که ناله عباس را می شنیدم! نکته را دقیق در ذهنتان مجسم کنید تا به عظمت مطلب پی ببرید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دوازده هزار نیروی مجهز آمده و مکه را تسخیر کرده، مکه ای که مردم آن 74 جنگ بر پیغمبر تحمیل کردند، مکه ای که هند جگر خوار با شوهرش ابوسفیان در مقابل پیامبر ایستاده، در چنین موقعیتی است که برای آن حضرت خبر آوردند که: یا رسول الله! رزمنده ای تند و احساساتی پرچم به دست گرفته، و در کوچه ها شعار می دهد:

اليوم يوم الملحمة:

امروز روز انتقام است.

پیامبر به علی فرمودند: برو و پرچم را از دستش بگیر و در کوچه ها بگرد و به همه اعلام کن که:

اليوم يوم المرحمة:

امروز روز بخشش و عفو است.

پیامبر از این که توانست توسط علی بت ها را بشکند، بسیار خوشحال بود، در مقابل خانه خدا ایستاد و آن خطبه معروف و پرافتخار را خواند، ایشان در فرازی از آن خطبه فرمود: لاله الله وحده وحده... اسرا از ترس می لرزیدند، پیامبر رو به آنان فرمود:

چه کنم با شما؟ همگی گفتند: هرچه کنی بجاست. بکشی، اموالمان را مصادره کنی و... پیامبر این آیه را قرائت کرد: لاتثرب علیکم الیوم... (7) امروز بر شما سرزنشی نیست.

برادرم یوسف به بردارنش گفت: گذشته ها گذشت... و امروز من نیز با شما همان معامله را می کنم و از خطاهای شما می گذرم، از این لحظه هر کس در زیر پرچم اسلام زندگی کند ولو غیر مسلمان باشد، مشمول عفو و رحمت اسلامی است، اما اگر توطئه ای کند باید حساب پس بدهد و مجازات شود. (8)

اگر به این حوادث دقت کنیم برای ما درس است. پیغمبر زمانی که کسی را نداشت جز خدیجه و علی، و برای ارشاد و تبلیغ حرکت می کرد دلش برای همه می تپید، آن حضرت حتی برای ابوسفیان ها، ابوجهل ها و برای کافران ردلی که مسلمان نمی شدند گریه می کرد.

کفار قریش بچه ها و ارادل و ابوابش را وادار کرده بودند که هر وقت پیغمبر از خانه بیرون آمد، سنگ بارانش کنند و به آنان سفارش کرده بودند که سنگ را به جاهای حساس آن حضرت نزنند که کشته شود، چون اگر پیغمبر کشته می شد اختلاف بین قریش و سایر طوایف عرب به وجود می آمد. می خواستند ایشان را زجرکش کنند، لذا سنگ ها را به ساق پای آن بزرگوار می زدند (9) پیامبر گاهی به خانه بر می گشت تا از سنگ باران در امان بماند. خدیجه، یگانه زن یاور اسلام، پیامبر را داخل اتاق می برد و خود را سیر آن حضرت می نمود و فریاد می زد. خانه را سنگ باران نکنید، پاهای پیامبر زخم است و از آن خون جاری است و...

پیامبر مأیوس و خسته نمی شود. هنوز آفتاب در نیامده برای انجام رسالت به پا می خاست، همسرش می پرسید یا رسول الله! کجا می روی؟ می فرمود: اسلام غریب است، این ها بی چاره اند و در جهل و نادانی به سر می برند. باید هدایت شوند. برای چندمین بار جهت انجام مأموریت به پا می خاست، اما قریش همچنان پاسخش را با سنگ و استخوان های شکسته می دادند. گاهی به کوه پناهنده می شد، به خدیجه خبر می دادند که پیامبر به کوه حرا می رفت و...

علی علیه السلام می فرماید: با حضرت خدیجه مقداری زاد و توشه بر می داشتیم، زیر این سنگ و آن بوته و... به جست و جوی پیامبر می پرداختیم، سرانجام پیامبر را زیر سنگ، بوته و یا در غاری پیدا می کردیم و می دیدیم که خون از ساق پای پیامبر می ریزد و با آن حالتی زمزمه می کند:

اللهم اهد قومی؛ فانهم لا یعلمون؛ (10)

خدایا، قوم مرا هدایت کن و آنان را عذاب نکن، چون نمی فهمند.

این شعار پیامبر است که باید همیشه در خاطره ها بماند؛ انبیای الهی و ائمه طاهربین علیهم اسلام نیز چنین بودند.

(7) یوسف 12آیه 92.

(8) وافدی، المغاری، ج 2، ص 838، بحارالانوار، ج 21، ص 107.

(9) ابن هشام، السیرة النبویه، ج 1، ص 25، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 47.

(10) ابن اثیر، همان ص 47.